

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

شانزدهم اگست 2013

گرداب بی کسی

سرشار از غزلهای چشمت تا فراسوی دشت جنون میروم و با گردابه‌های تنم
بیکی در بند خاطره هایت سرگردان میمانم.
ای رفته از برَم به دور دست ناباوری!
در ابدیتِ کدام اقبال بلند، به مدهوشی رسیده ای که گل نصیب من اینجا از
خارستان حادثه زخم برمیدارد؟
انگار جوهر عمر را میان ماجرای جبران ناپذیر غربت در اعماق نابسامانیها
گم کرده ام و چیزی به لحظه های واپسینم نمانده است.
اکنون که عاری از نیروی پیوند با شور هستی، آرامش روانم را نیز میبازم،
خشت نگاه را یکی بر بالای دیگری میگذارم و از حصار بلند تلاش به بام
جذبۀ روحنواز میرسم و در پرتو حقیقت ماه، سوگندنامه دلم را امضاء مینمایم
تا شرح پریشانی حالم را جز با آن یگانه دانا و بینا در میان نگذارم که حَجْم
عشقش دور از حساب است و تنها او در خم و پیچ راه هستی سایه عصیانم را
با چراغ رحمت میزداید.

(ناهید "غزل" غنی زاده - 19 - جولای 2013)